

بی‌رون‌تر از همیشه

انعکاس جشنواره فیلم فجر در میان مردم چگونه بود؟



محمد رهبری

پژوهشگر شبکه‌های اجتماعی

چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر با معرفی برندگان آن پایان یافت. جشنواره‌ای که پر از اسامی نام‌آشنا و جدید بود که پیش‌ازاین کمتر در سینمای ایران نام‌شان شنیده شده است. جشنواره فیلم فجر در سالیان گذشته، همواره مورد توجه افشار مختلف مردم، خصوصاً طبقه متوسط در ایران بود؛ آنچنان که بسیاری حاضر می‌شدند ساعت‌ها در سرما و زیر برف و باران در صف بایستند تا بلیط‌های جشنواره را خریداری کنند و بر سر تهیه بلیط‌های جشنواره رقابت زیادی شکل می‌گرفت.

حالا اما به‌نظر می‌رسد که امسال دیگر خبری از آن شور و شوق سال‌های گذشته نیست و کمتر کسی به جشنواره فیلم فجر توجه داشته است. بررسی داده‌های گوگل، توییتر و تلگرام نشان می‌دهد که در سه دوره اخیر جشنواره فجر، میزان توجه به این جشنواره در سال جاری کمتر از همیشه بوده است؛ روندی که البته از سال گذشته آغاز شد و امسال تشدید شد. اما چه عواملی باعث شده تا مردم کمتر به جشنواره فیلم فجر توجه کنند و به آن حساسیت نشان دهند؟

یکی از عوامل و دلایل مؤثر بر کاهش حساسیت و توجه مردم به جشنواره فجر، به موضوعات سیاسی بازمی‌گردد. از سال گذشته دو روند متعارض آغاز شد که نه‌تنها بر جشنواره فیلم فجر که به‌طور کلی بر سینما و تئاتر در ایران اثر منفی گذاشت. این روند از یک‌سو با تحریم جشنواره و سینما از سمت مردم معترض آغاز شد؛ کسانی که سینمای ایران را «حکومتی» خوانده و از همان سال گذشته کمپینی برای تحریم آن آغاز کردند. البته این کمپین مسبق به سابقه است و از سال ۱۳۹۸ به این‌سو، توجهات به جشنواره فیلم فجر کاهش پیدا کرد. آن زمان، به‌دنبال اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و برخورد موشک خودی به هواپیمای اوکراینی، برخی از هنرمندان جشنواره را تحریم کردند؛ سال ۹۹ نیز به‌خاطر کرونا، جشنواره آنچنان که باید برگزار نشد. سال ۱۴۰۰، جشنواره فیلم فجر کمی رونق داشت که این رونق دوامی پیدا نکرد و در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ توجهات به آن به کمترین میزان خود رسید. علاوه بر تحریم جشنواره از سوی بخشی از مردم و هنرمندان، ممنوع الکاری و ممنوع تصویری بر خی‌از بازیگران که در جریان اعتراضات سال گذشته فعال بودند نیز در کاهش توجهات به جشنواره مؤثر بوده است. این امر خصوصاً در رابطه با زنان بازیگری که روسری بر سر نمی‌کنند مشهود است و عملاً در یک چرخه، به فرآیند تحریم و بی‌توجهی به آن دامن زده است. مداخله‌های دولت در ارائه مجوز فیلم‌ها و در نتیجه کاهش کیفیت فیلم‌های برگزار شده نیز عملاً باعث شده که افراد کمتری انگیزه پیگیری فیلم‌های سینمایی در ایران را داشته باشند. جشنواره فیلم فجر از این منظر شبیه به جشنواره فیلم عمار شده است؛ جشنواره‌ای که یک روزبکر سیاسی خاص بر آن غلبه داشت و فیلم‌های تولید شده در آن مناسب یک سلیقه خاص بود نه بر اساس سلیقه همه مردم.

در کنار دلایل اجتماعی و سیاسی اما باید نقش عوامل اقتصاد اقتصادی نیز توجه کرد. بحران‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های زندگی و تأمین معاش، باعث شده است که توجه به مقوله فرهنگ به‌طور کلی کاهش یابد و در این میان سینما نیز تحت‌تأثیر این روند قرار گرفته است. کاهش توجه به سینما و حذف شدن آن از سبد هزینه‌های بسیاری از خانواده‌ها، و به‌عبارت دیگر فقیر شدن طبقه متوسط نیز، به‌طور طبیعی تأثیر منفی بر سینما و جشنواره فجر گذاشته است.

بنابراین آنچه در سال جاری مشاهده شد، نتیجه روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که از سال‌های گذشته آغاز شده و اکنون باعث شد تا جشنواره فیلم فجر بی‌رترق از همیشه برگزار شود. کیفیت جشنواره نیز چنگی به دل نمی‌زند و در یک توافق نانوشته، اکنون سینمای ایران کمتر مورد توجه است. این موضوع در همین جشنواره امسال به‌شکل دیگری نیز عیان شد؛ جایی که حتی وقتی سخن از جشنواره بود، موضوع فیلم‌ها و کیفیت آن مورد بحث نبود که حواشی جشنواره بود که توجهات را جلب کرده بود. داده‌ها نشان می‌دهد، حواشی‌ای که حول الناز شاکردوست شکل گرفت در روزهای اول جشنواره و اشتباه رئیس سازمان سینمایی کشور در خواندن دعای تحویل سال در روز پایانی جشنواره، مهم‌ترین موضوعاتی بود که مورد توجه مردم قرار گرفت.

مجموع این داده‌ها نشان می‌دهد که جشنواره فیلم فجر و فراتر از آن سینمای ایران، حال‌و‌روز خوشی ندارد؛ نه هنرمندان به شادابی گذشته هستند، نه فیلم‌ها آن‌طور که باید کیفیت دارند و نه مردم به‌دنبال سینمای ایران هستند.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست)، الهه ابراهیمی (خبر)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتوا)، مدیر هنری: مهدی قربانی تبار، حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آژهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آژهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



سوداهای بی‌پایان مرد عجیب

ایلان ماسک با طرح زندگی در مریخ باز خبرساز شد



سپهر خرمی

خبرنگار گروه فناوری

بعد از خرید توییتر توسط ایلان ماسک، بسیاری تصور می‌کردند ثروتمندترین فرد جهان اقطاع شده و هدف دیگری در سر ندارد. اما با بررسی زندگی «ایلان ماسک» به این موضوع پی می‌بریم که ماسک، بلندپروازتر از این حرف‌ها است که صرفاً با خرید یک پلتفرم به ارزش ۴۴ میلیارد دلار متوقف شود. فردی که فقط برای اخراج یک مزاحم از توییتر حاضر می‌شود چنین مبلغ هنگفتی هزینه کند، قطعاً برای رسیدن به اهداف و آرزوهای ذهنی خود دست از تلاش بر نمی‌دارد. حضور مؤثر در انتخابات آمریکا از یک‌سو و البته دوراندیشی نسبت به زندگی انسان در سیاره‌ای دیگر از سوی دیگر، اهداف بلندمدت ایلان ماسک است که با خرید پلتفرم توییتر (ایکس فعلی) احتمالاً ماسک قصد دارد ایده‌های خود را به‌مرور در معرض عموم قرار دهد.

▼ حمایت از آزادی بیان

دو سال پیش شایعه فروش توییتر به ایلان ماسک مطرح شد. ماسک پیش از خرید این پلتفرم وعده داده بود با تغییرات گسترده‌ای که در این پلتفرم ایجاد خواهد کرد، باعث رضایت کاربران آن خواهد شد. موضوعی که البته بعد از گذشت دو سال کاملاً خلاف آن ثابت شده است و بسیاری از اعتباری که در این پلتفرم وجود داشت با سیاست‌های اشتباه ماسک از بین رفت. دو سال پیش بعد از چندین ماه دعوی حقوقی، ماسک با مالکان توییتر و البته سهامدارانش، این فرد ثروتمند آمریکایی توانست توییتر را به ارزش ۴۴ میلیارد دلار خریداری کند. بعد از این اتفاق، سوال‌های بسیاری در خصوص اینکه چرا ماسک توییتر را خریده، مطرح شد. ایلان ماسک چنین پاسخ داد که در راستای ارتقای آزادی بیان دست به خرید این پلتفرم زده است: «دلیلی که من توییتر را خریداری کردم این است که برای آینده تمدن، داشتن یک می‌دان شهری دیجیتال مشترک که در آن طیف گسترده‌ای از عقاید را می‌توان به شیوه‌ای سالم و بدون توسل به خشونت مورد بحث قرار داد، مهم است.» گفتنی است ماسک بعد از خرید توییتر و البته اخراج مدیران این پلتفرم، در توییتر خود نوشت: «برنده آزاد است که نشان می‌دهد هدف ماسک تغییرات گسترده و از دید خودش افزایش آزادی است که توسط مدیران قبلی از بین رفته بود. ماسک که نگاه اقتصادی بسیاری به توییتر (ایکس فعلی) دارد، به تبلیغ کنندگان گفته بود که می‌خواهد توییتر «محترم‌ترین پلتفرم تبلیغاتی در جهان» باشد. همچنین حذف زیات‌ها در توییتر یکی از اهداف اصلی ماسک اعلام شده بود که باعث می‌شد اخبار کذب در این پلتفرم فرایم شود. البته از این موضوع نباید به‌رحا گذشت؛ از زمانی که ایلان ماسک تیم بررسی انتخاباتی را در ایکس منحل کرد، اخبار جعلی به‌طور قابل توجهی در این پلتفرم افزایش یافته که اعتراض بسیاری از اعضای کنگره آمریکا را در پی داشته است. ماسک که هیچ‌گاه سعی نکرده دیدگاه سیاسی‌اش را نسبت به موضوعات مختلف مخفی کند و به‌صورت علنی نسبت به بسیاری از مسائل اظهار نظر کرده، اما با ترفندی خاص و البته زنجی قابل توجهی، حمایتی از حزب جمهوری خواه یا دموکرات نکرده است. حتی زمانی که صفحه شخصی دونالد ترامپ در توییتر بسته شد، ماسک با نظرسنجی از مردم در خواست کرد نسبت به بازگشت ترامپ به توییتر نظر دهند و به‌صورت شخصی در خصوص بازگشت رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم نگرفت تا رنگ و بوی جانبدارانه از حزبی خاص شکل نگیرد.

▼ اخراج دانشجوی سراج

هر چند ایلان ماسک وعده آزادی بیان بیشتر را داده بود اما به‌مرور مشخص شد این موضوع صرفاً یک وعده تبلیغاتی بوده است. اخیراً آما تئوری‌ای مطرح شده که ایلان ماسک صرفاً به‌دلیل بستن حساب یک کاربر مزاحم، توییتر را خرید تا از شر این کاربر خلاص شود! در کتابی به اسم «نبرد بر سر پرند» عنوان شده

که ایلان ماسک پس از رد درخواستش برای بستن حساب کاربری موسوم به «ElonJet»، تلاش برای تصاحب توییتر را آغاز کرد. این حساب کاربری که توسط فردی به‌نام جک سوین اداره می‌شد، از اطلاعات شخصی و علنی برای ردیابی جت شخصی ایلان ماسک استفاده می‌کرد و امنیت ماسک را هدف قرار داده بود. آزار و اذیت‌های این کاربر باعث شد تا ماسک بعد از رد شکایتش تصمیم بگیرد برای حذف این فرد مزاحم، ۴۴ میلیارد دلار هزینه کند. گفتنی است کاربری به‌نام «سوینی»، حساب‌های زیادی در توییتر دارد که افراد سرشناس مانند تیلور سوئیفت را دنبال می‌کند. سوئیفت نیز او را تهدید به شکایت کرده است. بعد از خرید توییتر توسط ماسک، این کاربر مزاحم اطلاعات سفرهای ماسک با جت شخصی‌اش را در تتر زد- که زیر مجموعه اینستاگرام است- منتشر می‌کند.

▼ مریخ و هابیلوپ

کسانی که زندگی و تفکرات ایلان ماسک را دنبال کرده باشند، به این موضوع پی می‌برند که ماسک علاوه بر تلاش برای زندگی انسان روی سیاره دیگر، می‌خواهد رفت‌وآمد انسان از نقطه (الف) به (ب) را کاهش دهد. یکی از ایده‌هایی که ایلان ماسک به دانشکده فنی مونیخ پیشنهاد کرد و سرمایه‌گذار این ایده اخلاقانه بود: «هابیلوپ» است که می‌تواند تحول بزرگی در سیستم حمل‌ونقل ریلی در اروپا و البته دنیا ایجاد کند. مسافره‌ای می‌توانند مسافت‌های چندصدکیلومتری که بیش از ۷-۶ ساعت زمان می‌طلبد را در عرض ۳۰ دقیقه طی کنند. این ایده اولین بار در سال ۲۰۱۳ توسط ایلان ماسک مطرح شد. تاکنون چندین گروه مختلف روی این مفهوم کار کرده‌اند تا آن را به واقعیت بدل کنند. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، پیش‌از این ایده در اختیار دانشگاه فنی مونیخ است که دانشمندان در حال بهبود وضعیت آن هستند. در حال حاضر سرعت کیسول‌ها که دو مسافر در آن قرار می‌گیرند ۴۸۲ کیلومتر در ساعت است که می‌تواند مسافران را طی فقط ۲۷ دقیقه از برلین به مونیخ ببرد. این ایده قرار است در سال ۲۰۳۰ به‌صورت گسترده به‌بهره‌برداری برسد تا مسافران بیشتری بتوانند از برلین به مونیخ بروند.

مدیر پروژه هابیلوپ دانشگاه فنی مونیخ می‌گوید: «هدف این پروژه، توسعه تکنولوژی‌ای است که حمل‌ونقل بر سرعت و پایدار را به واقعیت تبدیل کند. ما تمام سیستم‌های کلیدی را در یک‌جا جمع می‌کنیم و این کار باعث می‌شود، بتوانیم امکان تبدیل ایده هابیلوپ به واقعیت را بررسی کنیم. فهم این موضوع به معنی برداشتن آخرین قدم‌ها خواهد بود و پس از آن می‌توانیم حمل‌ونقل مسافری واقعی را کلید بزنیم.»

ایده دیگری که ایلان ماسک در سر دارد زندگی انسان بر روی کره مریخ است. او در تلاش است تا در کمتر از ۱۰ سال آینده، انسان بتواند در سیاره دیگری زندگی کند؛ چرا که او معتقد است کره زمین در حال نابودی است و دیگر شرایط زندگی انسان در اینجا وجود ندارد. گفتنی است ایلان ماسک در گفت‌وگویی که در سال ۲۰۱۶ با روزنامه واشنگتن پست انجام داد، اولویت اصلی اسپیس ایکس راه‌اندازی مسیر باربری در مریخ عنوان کرده بود. او در ذهن خود چنین ایده‌ای دارد که با سفر انسان به کره مریخ، کارخانه‌هایی ساخته شود که به‌مرور مردم در این سیاره به خودکفایی برسند. همچنین او قصد دارد با استفاده از ساخت کارخانه‌های سوخت فضایی در سیاره مریخ، تردد مردم را از زمین به مریخ آسان کند. مالک پلتفرم ایکس به کنگره بین‌المللی فضانوردی آمریکا گفته بود، مردم می‌توانند از مریخ به دور سایر سیاره‌ها بچرخند، همچنین مردم در ابتدا مجبور خواهند بود در بناهای گنبدی شکل شیشه‌ای غول‌آسایی همچون گلخانه‌ها زندگی کنند. ماسک ابراز امیدواری کرده که سیاره مریخ به‌مرور با ایده‌های اخلاقانه‌ای که داده می‌شود، تبدیل به سیاره گرمی شود که مردم بدون مشکل و خارج از این گلخانه‌ها زندگی کنند. ایده ایلان ماسک البته که موافقان زیادی دارد. یکی از موافقان این ایده (زندگی انسان در کره مریخ) کریس مککی، دانشمند ارشد ناسا است که در سال ۲۰۲۱ گفته بود، زمین‌سازی مریخ امری شدنی است که در طول قرن آینده امکان‌پذیر خواهد بود. هر چند اختلاف‌نظر نسبت به سال اجرایی شدن چنین ایده بزرگی وجود دارد اما این موضوع به‌طور کامل از سوی دانشمندان رد نمی‌شود هر چند در خصوص قابلیت استفاده عناصر طبیعی دیگری همچون دی اکسید کربن شک و تردیدهایی وجود دارد.

چهره

اولین تجربه مربیگری مسعود

مسعود شجاعی رسماً به‌عنوان سرمربی تیم لیگ برتری هوادار معرفی شد. کمتر از یک‌ماه پیش بود که مسعود شجاعی با حضور در برنامه عادل فردوسی‌پور اعلام کرد، به‌صورت رسمی از دنیای فوتبال به‌عنوان بازیکن خداحافظی کرده است. مسعود شجاعی از آخرین بازیکنان نسلی بود که زیر نظر کارلوس کی‌روش پرورش یافتند و رشد کردند. در شرایطی که نام‌هایی مثل مهدی رحمتی، رسول خطیبی و حتی مازیار زارع برای سرمربیگری این تیم تهرانی مطرح شده بودند، اما مدیران این باشگاه سراغ یک گزینه جوان‌تر رفتند و سکان هدایت هوادار را به مسعود شجاعی سپردند. شجاعی، اولین تجربه مربیگری خود را در فوتبال ایران تجربه می‌کند و باید دید می‌تواند از این جاده پرپیچ‌وخم با موفقیت عبور می‌کند یا خیر. مسعود شجاعی، یکی از بازیکنان محبوب فوتبال ایران بود که با واکنش و اظهارنظر نسبت به مسائل اجتماعی، از تریبونی که در اختیار داشت در حمایت از مردم سخن می‌گفت.



کتابخانه

شناختی عمیق‌تر از نویسندگان رئالیستی

رئالیست‌ها (هشت چهره: استادانال، بالزاک، دیکنز، داستایفسکی، تالستوی، گالدوس، هنری جیمز، پرست (عنوان کتابی است نوشته سی.پی. اسنو، با ترجمه اکرم رضایی که در ۳۸۳ صفحه و با قیمت ۳۰۰ هزار تومان توسط نشر نو، با همکاری نشر آسیم منتشر شده است. جنبش رئالیسم که در قرن نوزدهم به اوج خود رسید، زمینه‌پدایش نویسندگانی را فراهم کرد که برخی‌شان از بزرگ‌ترین چهره‌های تاریخ ادبیات به‌شمار می‌آیند. نویسندگان رئالیست در پی این بودند که تصویری واقعی از جهان به نمایش بگذارند با شخصیت‌هایی که نه ابرقهرمانانی بی‌عیب‌ونقص و دست‌نیافتنی، بلکه از جنس مردم عادی باشند. سی.پی. اسنو نیز همین رویه را در پیش می‌گیرد و با بررسی ابعاد مختلف زندگی و شخصیت و دیدگاه‌های هشت نویسنده، به خواننده کمک می‌کند که شناخت عمیق‌تری از آنان به دست آورد. آن چه در همه این نویسندگان مشترک است چشمان تیزبین و ذهن تحلیلی است که شرایط تاریخی و اجتماعی دوران را با تمام جزئیات بازآفرینی می‌کند.



رئالیست‌ها

نویسنده:

سی. پی. اسنو

مترجم: اکرم رضایی

انتشارات: نشر نو

تاریخ

اقامت مهاجران انگلیسی در سیدنی



۱۵ فوریه ۱۷۸۸، نخستین گروه مهاجران انگلیسی وارد استرالیا شدند و محل پیاده‌شدن‌شان (شهر سیدنی) را برای اقامت دائمی خود انتخاب کردند. آنان سه‌هفته پیش با ۶ کشتی در یک پیش‌رفتگی کوچک اقیانوس آرام جنوبی در خشکی پیاده شده بودند. بومیان استرالیا از آنان با فریادهای «وارا وارا»- یعنی بروید گم شوید- استقبال کردند، ولی مهاجران تفنگ داشتند و کاری از بومیان برای بیرون راندن‌شان ساخته نبود و بعدتر این بومیان بودند که اراضی و جان خود را به مهاجران باختند. مهاجران تازه، ۷۳۰ مجرم محکوم بودند که از زندان‌های انگلستان به استرالیا منتقل شده بودند و ۱۶۰ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دادند. بیشتر این مجرمان به بیماری مقاربتی و امراض دیگر از جمله آبله مبتلا بودند. محل استقرار این انگلیسی‌ها را کاپیتان «جان هانت»، معاون فرمانده کشتی‌ها، یافته بود. پس از استقرار مجرمان محکوم در سیدنی، پرچم انگلستان بالا رفت و این سرزمین شبه‌قاره به همین آسانی به تملک انگلستان درآمد.